



چالش‌ها و فرصت‌های یادگیری الکترونیکی در تحصیلات عالی افغانستان

پوهنمل دکتور محمدشاه صديق

ديپارتمنت تاريخ، پوهنځی تعليم و تربيه، پوهنتون بلخ، بلخ، افغانستان

ایمیل: m.sediq700@gmail.com

چکیده

تکامل فن آوری اطلاعات، همه بخش‌های جامعه، به‌ویژه آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. میزان این تأثیر از لحاظ اقتصادی و علمی بین جوامع مختلف، به عرصه بهره‌مندی از فن آوری اطلاعات و ارتباطات هم کشیده شده است. مزایای فن آوری‌های نوین برای جبران نارسای کشورهای مانند افغانستان قابل چشم‌پوشی نبوده و بی‌مهری به آن، موجب محرومیت مضاعف، مخصوصاً با فراهم شدن استقرار نسبی در دو دهه پسین گردیده است. این سهل‌انگاری، تبعات زیان‌باری بر پیکر آموزش عالی وارد نموده، به‌ویژه در سال‌های اخیر. یافته‌های این تحقیق شامل چالش‌های آن‌د که هنوز آموزش عالی افغانستان با آن مواجه است. مانند نحوه ورود به جامعه اطلاعاتی، پیوند جامعه و پوهنتون، ضعف کارایی زیرساخت‌های توسعه علمی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، جهانی‌شدن و تحولات آن در آموزش عالی، آموزش کارآفرینی در هزاره جدید و بی‌مهری با آموزش‌های الکترونیکی.

اصطلاحات کلیدی: یادگیری الکترونیکی؛ پوهنتون مجازی؛ آموزش از راه دور؛ چالش‌ها و فرصت‌های آموزشی؛ پوهنتون

e-learning Challenges and Oppartunities in Afghnistan Higher Education System

Sr. Teaching Asstt. Mohammad Shah Sediq

Department of History, Faculty of Education, Balkh University, Balkh, Afghanistan

Email: m.sediq700@gmail.com

Abstract

The global information technology revolution has profoundly influenced society, notably higher education. However, the extent of this impact varies across regions and societies, resulting in economic and scientific disparities. The strategic use of Information and Communication Technology (ICT) has played a pivotal role in bridging these disparities. Modern technologies present significant opportunities to address deficits, particularly in countries like Afghanistan, where underutilizing their potential exacerbates deprivation. Unfortunately, recent years have seen detrimental consequences for Afghanistan's higher education system due to neglecting these opportunities. This paper addresses key aspects, including the transition to an information society, the symbiotic relationship between society and academia, weaknesses in scientific development infrastructure, educational, social, and cultural factors, globalization, entrepreneurship education in the new millennium, and the significance of embracing electronic education.

Keywords: e-learning; Virtual University; Distance Education; Educational Challenges; Afghanistan

مقدمه

توسعه فن آوری اطلاعات منجر به تغییرات زیادی در زمینه‌های مختلف من جمله آموزش شده است. تحت تأثیر همین شرایط، آموزش و فن آوری در هم ادغام شده‌اند و یادگیری الکترونیکی به عنوان یک وسیله قدرت مند برای آموزش و یادگیری ظهور کرده و با انواع فن آوری‌های هوش مند امروزی، جهت دستیابی به منابع یادگیری، گسترش یافته و تأثیراتی بر یادگیری و روش‌های تدریس داشته است (رزاقی و همکاران، ۱۴۰۱). فن آوری نوین فرصت‌های آموزشی منحصری ارائه کرده که باعث بهبود فرایند آموزش، یادگیری و نوآوری برای افراد و سازمان‌ها می‌شوند و نهادهای آموزشی را به توسعه سیاست خلاق و نوآور تشویق می‌کند (عبدالسلام و همکاران، ۲۰۲۲).

دیدگاه وزارت تحصیلات عالی افغانستان منتشره وبسایت آن وزارت، استفاده از نیروی انسانی کارآمد و تکنولوژی‌های نوین نظام تحصیلی پیشرفته و اداره‌ی شفاف و پویا؛ جایگاه ممتاز در تربیت نیروی انسانی متعهد، متخصص، کارآفرین و پیشرو در تولید علم در سطح منطقه را از اولویت‌های کار آن وزارت اذعان نموده و راه رسیدن به آن‌ها، برخورداری از سیستم مدیریت معلوماتی مؤثر، کارآمد، شفاف و ساده؛ بیان گردیده است. چون در سال‌های اخیر استفاده از فن آوری‌های نوین، یادگیری‌های سنتی را به سمت و سوی یادگیری الکترونیک سوق داده و ابزار یادگیری گسترش یافته است (بومی پور و خطاط، ۱۴۰۰، ص ۱).

در عصر انفجار اطلاعات نقش تکنولوژی در آموزش و پیامدهای آن در توسعه و تسهیل فرایند یاددهی یادگیری، نگاه مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی را به خود معطوف و بر استفاده بی‌چون وچرای آن مٌهر تأیید و سنگ تمام گذاشته‌اند؛ زیرا حجم عظیم تقاضا برای علم و دانش، محدودیت‌های نظام آموزش سنتی و نیاز به تحول در روش‌های یاددهی یادگیری، جهان را به سوی روش‌هایی سوق داده است (پورتوکللی، علی نژاد و دانش مند، ۲۰۲۰)؛ که منجر به توسعه فرایند یادگیری با رویکرد جدید و سهولت در فراگیری دانش و مهارت در سطح جهان گردیده است. در این میان نهادهای آموزشی افغانستان به صورت عام و آموزش عالی آن به صورت خاص از پیامدهای مثبت تکنولوژی آموزشی و یادگیری الکترونیکی نسبت بی‌مهری برنامه‌ریزان و مدیران سطوح رهبری و نیز فقر مُمتد نتوانسته است زمینه‌های راه‌اندازی آموزش الکترونیک را مساعد نماید.

بیان مسأله

در شرایط کنونی و با سرعت روزافزون ابزارهای تکنولوژی و به دنبال آن گسترش سرسام‌آور اطلاعات، سطوح رهبری نهادهای آموزشی دنیا با تغییر رویکردهای آموزشی اقدام نموده و سهولت‌های بی‌شماری

در عرصه آموزش و یادگیری به ارمغان آورده‌اند. در این میان آموزش عالی افغانستان با وصف هم‌زمانی با این شتاب، التفاتی به این رویکرد جدید آموزشی نکرده است؛ این تحقیق در پی تبیین و توضیح دلایل عدم استفاده از آموزش الکترونیکی در توسعه آموزشی عالی افغانستان می‌باشد.

اهداف تحقیق

۱. شناخت جایگاه و کاربرد یادگیری الکترونیکی در تحصیلات عالی افغانستان.
۲. آگاهی از سابقه استفاده آموزش الکترونیکی در پوهنتون‌های افغانستان.
۳. شناخت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی وزارت تحصیلات عالی.
۴. شناخت نیروی انسانی و افراد ماهر بر کاربرد فن‌آوری‌های نوین در فرایند آموزش.
۵. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های یادگیری الکترونیکی در نظام آموزش عالی افغانستان.

سؤالات تحقیق

۱. پیشینه آموزش الکترونیکی در افغانستان به کدام سال می‌رسد؟
۲. ظرفیت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی تحصیلات عالی در تطبیق آموزش الکترونیکی در کدام حد است؟
۳. نیروی انسانی و حمایت اقتصادی جهت کاربرد فن‌آوری‌های نوین در برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی افغانستان تا کدام حد جواب‌گوی نیاز جامعه علمی است؟
۴. استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در پوهنتون‌های افغانستان در چه سطحی قرار دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد آموزش الکترونیکی در افغانستان دارای پیشینه‌ی اندکی باشد.
۲. ظرفیت‌های موجود اطلاعاتی و ارتباطی پوهنتون‌های افغانستان جواب‌گوی راه‌اندازی آموزش الکترونیکی نیستند.
۳. نیروی انسانی و کادر علمی پوهنتون‌ها توانایی راه‌اندازی آموزش الکترونیکی را دارند.
۴. کاربرد تکنولوژی مدرن در پوهنتون‌های افغانستان در سطح پایین قرار دارد و تنها منبع اطلاع‌رسانی است.

روش تحقیق: این تحقیق مروری، مبتنی بر جستجوهای اینترنتی، کتب، مجله‌ها، مقاله‌ها و روزنامه‌های دیجیتال انجام گردید.

پیشینه تحقیق

با توجه به ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی در افغانستان متأثر از جنگ و ناآرامی در دهه‌های اخیر، راه‌اندازی آموزش الکترونیکی در دستور کار سطح رهبری مراکز آموزشی-به‌جز در سه سال پسین و بسته شدن مراکز آموزشی به دلایل شرایط کرونا نبوده است. بناً اگر گزارش و مقاله‌ای مرتبط به آموزش الکترونیکی وجود دارد، هم‌زمان با شیوع کرونا و بعد از آن است. چنان‌چه روزنامه دیجیتالی (شفقنا، ۱۳۹۹ با کد خبر ۳۷۰۱۵۱) ضمن نگاهی اجمالی به پیشینه آموزش الکترونیکی در جهان، وضعیت آموزش عالی افغانستان را بررسی نموده؛ مشکلات موجود را مانع راه‌اندازی آموزش الکترونیکی دانسته و از جانبی بسته بودن درب مراکز آموزشی را خسارت جبران‌ناپذیر عنوان کرده است (فروزان، ۱۳۹۹). همه‌گیری کرونا را آغاز یک انقلاب دیجیتالی در افغانستان خوانده و بر نارسایی‌ها در ناتوانی راه‌اندازی آموزش الکترونیک اشاره کرده است.

همین‌گونه، (ظفری، ۱۳۹۹)، با بررسی کوتاه تاریخیچه آموزش الکترونیکی در جهان به چالش‌های فرا راه آموزش از راه دور در افغانستان تمرکز نموده است. (کریمی، ۱۳۹۹) اقدام وزارت معارف را در تدریس از راه دور به‌وسیله تلویزیون نوید خوشی برای آغاز این رویکرد آموزش دانسته و از آن به‌عنوان «نواخته شدن زنگ مدارس خانه‌ها» یاد کرده است (بیضاء، ۱۳۹۹). از بسته شدن مراکز آموزشی در همه‌گیری کرونا نوشته و ضمناً، به بیان تهدیدهای آموزش از راه دور و شکاف‌های اجتماعی و آموزشی افغانستان پرداخته است (حیدری، ۱۳۹۹). به چالش‌های طرح تبدیل ارائه خدمات آموزشی در حالت اضطرار وزارت معارف و غیرعملی بودن آن تمرکز کرده است؛ (سیغانی، ۱۳۹۹)، از تأثیرات کرونا بر نظام آموزشی و نگرانی‌های آن صحبت نموده است؛ (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹) پیرامون افغانستان و آموزش از راه دور، چالش‌ها و راه‌حل‌ها سخن گفته‌اند؛ و یافته‌های (شیرزاد و فاروق حیدری، ۱۳۹۹) نشان داد که بین بُعد تکنولوژی، بُعد محتوا، بُعد استاد و بُعد کیفیت آموزش الکترونیکی در پوهنتون خصوصی آریا رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و از دیدگاه محصلان مهم‌ترین عامل بر میزان رضایت ایشان به‌شمار می‌رود.

درحالی‌که تحقیق‌های (قاسمی و محمودی، ۱۳۹۹)، (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)، (سرفرازی و همکاران، ۱۳۹۹)، (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹)، (فروزان، ۱۳۹۹)، (الهام، ۱۳۹۹)، (صفری، ۱۳۹۸)، (مقدسی، ۱۳۹۸)، (سالار جابینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (لاله رئیسی و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می‌دهند که استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌های درسی نظام‌های آموزش عالی کشورها از

تطبیق، راه اندازی و بهره‌گیری نسل‌های متعدد آن به سطح فرهنگ یادگیری الکترونیکی ارتقاء نموده است.

مبانی نظری

آموزش عالی، یکی از زیرساخت‌های مهم نظام آموزشی هست که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف تحقیق، ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فن آوری به جامعه می‌باشد. در عصر حاضر، جوامع پیوند بیش‌تر بین آموزش عالی و برنامه‌های پیشرفت ملی و ارتقای دانش و فن آوری را در دستور کار خود دارند. زیرا؛ توسعه ملی نیازمند حرکت به سوی علم و فن آوری، در تدریس و تحقیق پوهنتونی است. اخیراً نقش پوهنتون‌ها در مدیریت و برنامه‌ریزی تغییر کرده است. هدف پوهنتون‌های نسل اول بر آموزش مستقیم استوار بود، پوهنتون‌های نسل دوم بر مبنای آموزش مبتنی بر تحقیق و آموزش برای انجام تحقیق تغییر یافت.

در نسل سوم هم‌زمان با آموزش نیروی انسانی برای تولید علم و توسعه فن آوری در حل مسائل و مشکلات رایج، هم‌چنین تولید کار و ثروت آفرینی در اهداف و برنامه‌های پوهنتون گنجانیده شده است و در نسل چهارم پوهنتون‌ها علاوه بر وظایف نسل سوم باید به سمت تربیت خلاق و نوآور حرکت کنند. لذا سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از راه‌های اساسی برای دستیابی به نیروی ماهر و توسعه اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷). کارکردهای متنوع آموزش عالی اعم از آموزش، تحقیق و تربیت نیروی انسانی متخصص باعث شده است که جوامع این قلب تپنده را هر روز بیش از گذشته در حالت پویایی نگهداشته و هزینه‌های هنگفتی را در سطح ملی و خصوصی برای پیش‌برد این بخش از نظام آموزشی اختصاص دهند.

ضرورت تجدیدنظر در فلسفه نظام آموزش عالی

رشد و تعالی آموزش عالی از جمله عوامل بنیادین در توسعه پایدار و رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. کیفیت آموزش عالی همواره اهمیت به‌سزایی در میان دولت‌مردان و اقشار جامعه داشته است (رضائیان، ۱۴۰۱). با ورود به دهه سوم قرن بیست و یکم جوامع بشری با تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رشد روزافزون دانش و فن آوری مواجه‌اند. با مرور این تحولات بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان در سطح جهان اظهار داشته‌اند که این تحولات خواستار تبدیل شدن جوامع انسانی به جامعه یادگیری هستند. جوامعی که در آن افراد می‌توانند به یادگیری خود ادامه دهند و این فرصت برای آن‌ها مهیاست.

این نهاد باید از یک سو فرصت‌های عالی یادگیری را گسترش دهد و از سوی دیگر از طریق برنامه‌های درسی متناسب با اصول یادگیری مادام‌العمر کیفیت این فرصت‌ها را تضمین نماید. شرط موفقیت در طراحی این برنامه را مواردی مانند تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی درسی، مشارکتی بودن، نیازسنجی، پذیرش رویکرد یادگیری به آموزش، پیش‌بینی انعطاف در برنامه درسی و ارتباط آن با برنامه‌های درسی مقاطع قبلی را شامل می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹).

اهداف پوهنتون‌ها در قرن ۲۱

آموزش عالی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی باز به‌منظور نقش آفرینی پربازده و تأمین الزامات محیطی می‌بایست فرایندهای خود را به‌صورت هدف‌دار و متناسب با تغییرات و تحولات محیطی تنظیم و تعدیل نماید. بنابراین استقرار سیستمی که منجر به تناسب محیطی و انسجام سازمانی پوهنتون‌های قرن حاضر شود با پاسخ‌گوی شرایط و الزامات محیطی ضرورت دارد. امروزه یکی از چالش‌های پوهنتون‌های جدید مفهوم پوهنتون نو و شناسایی ویژگی‌های آن می‌باشد. مسایلی چون ظهور تفکرات مدرن، مدیریت دانش محور، پیشتازی در فعالیت‌ها، توسعه فضای رقابتی، دسترسی آسان به منابع آموزشی بدون محدودیت، یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده باعث شده که دستگاه‌های آموزش عالی متحول گردیده و ساختارهای سنتی و ناکارآمد تغییر یابند (هاشمی و عباسی، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

اهداف کلان آموزش عالی افغانستان

اهداف کلان برنامه‌ی راهبردی براساس مأموریت دیدگاه و ارزش‌ها تدوین می‌شود. وزارت تحصیلات عالی با توجه به ضرورت هم‌زیستی دانش و ارزش برای تکامل و ترقی واقعی جامعه و این‌که انسان در کانون توسعه پایدار هم‌چنان که محور توسعه است؛ هدف توسعه و به‌منزله‌ی مهم‌ترین عامل توسعه نیز می‌باشد. وزارت تحصیلات عالی باور به نقش بلامنازع آموزش و علم آفرینی در فرایند توسعه جامعه دارد و براساس مأموریت، دیدگاه و ارزش‌ها، اهداف کلان و اساسی خود را به شرح زیر دنبال می‌کند:

۱. توسعه و بازنگری در فرایند تحقیقات؛
۲. بهبود آموزش و بازنگری نصاب تحصیلی؛
۳. تقویت برنامه‌های ارتقای ظرفیت؛
۴. تطبیق سیستم مدیریت اطلاعات وزارت تحصیلات عالی و محو فساد اداری؛
۵. بازنگری اسناد تقنینی و بازنگری در فرایند رفاهی محصلان؛
۶. بهبود و تجدیدنظر در ساختارها و فرایندها؛
۷. ایجاد مراکز عایداتی و توسعه همکاری با نهادهای داخلی و خارجی؛

۸. ایجاد اداره مستقل ارتقای کیفیت و اعتبار دهی مراکز علمی (www. Mohe.gov.af).

انواع روش‌های آموزش

رویکردهای متعدد یاددهی و یادگیری، مسئولیت‌های گوناگون و جدیدی را برای مدیران، مدرسان و محصلان در نظام آموزشی ایجاد نموده است. یکی از محورهای اصلی آن انتخاب مناسب‌ترین روش یاددهی و یادگیری است (پرینس و دیگران، ۲۰۱۷، ص ۱۱). انتخاب روش تدریس از مراحل مهم آموزش است تمام مدرسین در تلاش‌اند تا با توجه به شرایط موجود، برای رسیدن به نتیجه شیوه‌های آموزش مناسب را انتخاب و به‌کارگیری آن یادگیری مؤثر محصلان را ارتقاء بخشند.

آموزش به روش حضوری

براساس این روش اطلاعات به‌گونه شفاهی از جانب معلم ارائه و شاگردان از طریق گوش‌دادن و یادداشت برداشتن یاد می‌گیرند. در این روش معلم فعال و شاگرد غیرفعال است. مراحل اجرایی این روش عبارت است از: آمادگی معلم برای سخنرانی، مقدمه، ارائه مطالب و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است. با توجه به فرایند آموزش‌های سنتی، این نوع آموزش جواب‌گوی نیازهای عصر فوران اطلاعات و به‌کارگیری فن‌آوری‌های گوناگون در آموزش نیست و مورد بازنگری دانش‌مندان قرار گرفته و معتقدند با رفع نواقص آن، می‌تواند در کنار روش‌های نوین، موجب یادگیری عمیق و فعال شود (عمرانی ساروی و همتی، ۱۳۹۹، ص ۴۰).

آموزش از راه دور

پیدایش برنامه‌های آموزش از راه دور، به قرن ۱۹ بر می‌گردد. اسحاق پتمن نخستین آموزش‌دهنده از راه دور تدریس تندنویسی را از راه پُست در شهر انگلیسی، بت در سال ۱۸۴۰م شروع کرد. فن‌آوری این سیستم، خدمات پستی بود؛ یک روش ارتباطی کم‌هزینه به‌سرعت مورد استفاده قرار گرفت. برای افزایش تعامل بین آموزگار و شاگرد، روش‌های سریع‌تری توسعه یافت. مؤسسه‌های آموزشی با استفاده از ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی شروع به ارائه آموزش کردند. در سال ۱۹۲۱م مجوز به پوهنتون سالت لیک سیتی، ویسکونسنو پوهنتون می‌نستا صادر شد؛ این مؤسسه‌ها به ارائه دوره‌های آموزشی با استفاده از رادیو کردند. از سال ۱۹۰۰م نخستین تدریس مجازی در پوهنتون شیکاگو مستقر شد. در ایالات متحده دوره‌های مکاتبه‌ای موفقیت‌آمیز بود و در سال ۱۹۱۰ مدرسه بین‌المللی مکاتبه‌ای در ایالات متحده آغاز به کار کرد تا (۲۰۰۸) بیش از ۱۸۴۰۰ محصل داشت (بابائی، ۱۳۹۹، صص ۳۹-۴۱).

فن‌آوری‌های نوین از قرن بیستم در علوم مورد استفاده قرار گرفت. سابقه استفاده از فن‌آوری‌ها از راه دور در غنی‌سازی فعالیت‌های آموزشی در حدود کم‌تر از یک قرن پیش و زمان عرضه اولین فیلم

آموزشی بر می‌گردد (عطاران، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵). فیلم‌های آموزشی از سال ۱۹۱۰ پدیدار شدند. جنگ جهانی دوم استفاده از تلویزیون را در آموزش گُند کرد. در دهه ۱۹۴۰م مریدان توجه زیادی به تلویزیون کردند. گرایش به کاربرد تلویزیون آموزشی به آهستگی تداوم یافت؛ اما در سال ۱۹۶۳م تعداد ۵۳ ایستگاه به هدف اشتراک گذاشتن برنامه‌ها و فیلم‌های شان به شبکه تلویزیون آموزش ملی پیوستند. در دهه ۱۹۶۰م فن‌آوری مایکرو توسعه یافت و پوهنتون‌ها شبکه‌های آن را نصب کردند و قادر به خدمات تلویزیون آموزشی شدند. در دهه ۱۹۷۰ استفاده از ماهواره در پخش تلویزیون رایج شد و برای کنفرانس از راه دور نیز مطرح شد. کامپیوتر شخصی به‌عنوان چند رسانه‌ی رشد و مورد استفاده قرار گرفت. ظهور لوح فشرده با گنجایش بالا توانست مقدار زیادی صوت، تصویر و متن را در خود جای داده و به هزینه کم به دست‌رس یادگیرندگان قرار گیرد. سپس اینترنت تسهیل‌کننده یادگیری از راه دور شد (رسولی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

پیشینه آموزش از راه دور در افغانستان

افغانستان با توجه به پیشینه چندین دهه جنگ، نخستین بار در سال‌های ۸-۱۹۹۷م با همکاری اداره سازمان توسعه‌ی ملل متحد در کابل از طریق ماهواره به اینترنت وصل شد و در سال ۲۰۰۲ استفاده اینترنت با هزینه نه‌چندان ارزان به دست‌رس عام مردم قرار گرفت. از همگانی شدن اینترنت در افغانستان بیش از ۲۰ سال می‌گذرد و طی چند سال اخیر با افزایش شبکه‌های مخابراتی در کشور فرهنگ استفاده از اینترنت بیش‌تر شده است (شفقتا، ۱۳۹۹).

با شیوع ویروس کرونا نهادهای آموزشی افغانستان طرح آموزش از راه دور را برای تأیید به ریاست جمهوری فرستادند ولی با این طرح بعضی از نمایندگان مجلس، استادان و آگاهان حوزه آموزش و پرورش مخالفت نموده و آن را غیرعملی خواندند. برخی از نمایندگان با انتقاد بر طرح بدیل خدمات آموزشی گفتند که وزارت معارف بدون درک درست از وضعیت جامعه و بدون مشورت با نمایندگان طرح غیر مؤثر را به ریاست جمهوری فرستاده است. به باور آنان، این طرح قابل‌استفاده نیست چون بیش‌تر مردم افغانستان به برق، اینترنت و تلویزیون دسترسی ندارند و معتقد بودند که این طرح با توجه به وضعیت اقتصادی و عدم دسترسی دانش‌آموزان به امکانات نمی‌تواند سراسر کشور را تحت پوشش قرار دهد. آگاهان تعلیم و تربیت نیز این طرح را باعث نقض حقوق دانش‌آموزان مناطق محروم کشور دانسته‌اند. طرح بدیل آموزش حضوری به شیوه الکترونیک به کمک سیستم مدیریت اطلاعات تحصیلات عالی از سوی کابینه به‌عنوان برنامه ممد درسی تصویب شد. پوهنتون‌های دولتی وزارت تحصیلات عالی نیز در

سطح خیلی پائین آموزش الکترونیکی را شروع کرد، متأسفانه به دلایل ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، کم‌بود امکانات اقتصادی محصلان و نیروی بشری متخصص موفق نشد (فروزان، ۱۳۹۹).

یادگیری الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی، یک تلاش در ملاقات با چالش‌های فن‌آوری است و یک رویکرد برای حفظ موانع محدود به مطالعات در سطح پوهنتون متناسب بودن برنامه‌ها با نیازهای محلی و افزایش برابر فرصت‌های آموزشی برای یادگیرندگان است. به هر حال پیش‌شرط‌هایی برای رسیدن به موفقیت در برنامه‌های یادگیری الکترونیکی وجود دارد که شامل طراحی آموزشی براساس نیازهای اساسی، فن‌آوری مناسب، حمایت متقابل یادگیرنده نسبت معلم به دانش‌آموز و حمایت محلی و نظام‌های مدیریت کارآمد می‌باشد. آموزش الکترونیکی استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی مبتنی بر وبسایت در سطح اینترنت برای مقاصد آموزشی است.

در سال‌های اخیر یادگیری الکترونیکی به‌عنوان بخشی اساسی از تجربه یادگیری محصل در آموزش عالی معرفی شده است. به‌طوری‌که طبق گزارش‌های گروه اطلاعات گیگا، حدود ۷۵٪ از ۱۲۹ پوهنتون برتر آمریکا از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی استفاده می‌کنند. ارقام بالا در سال ۲۰۲۰م در حدود بالای ۹۰٪ در سراسر جهان بالغ گردیده است. درحالی‌که آخرین برآوردهای اتحادیه بین‌المللی مخابرات نشان می‌دهد، از هر ۱۰۰ نفر در سال ۲۰۱۹، تنها ۵۴ نفر به اینترنت دسترسی داشته‌اند؛ هرچند در مناطقی چون شمال آمریکا و اروپا، اینترنت به یک کالای اساسی تبدیل شده است؛ در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته دسترسی چندان به آن‌چه از آن تحت عنوان بزرگ‌ترین منبع اطلاعات یاد می‌شود ندارند. براساس آخرین گزارش‌ها درحالی‌که ضریب نفوذ اینترنت در کشورهای توسعه‌یافته ۸۶٫۶٪ گزارش شده در کشورهای درحال توسعه و فقیر به ترتیب ۵۳٫۶٪ و ۲۰٪ است (میرمحمدی، ۱۳۹۹، ص ۲).

یادگیری آنلاین روزبه‌روز محبوب‌تر می‌شود، به‌طوری‌که انتظار می‌رود ارزش صنعت جهانی آن تا سال ۲۰۲۷م به یک تریلیون دالر برسد. محصلان بیش‌تر درحال انتقال به پلتفرم‌های یادگیری آنلاین هستند. حتی آن‌هایی که دانش‌آموخته شده‌اند و یا محصلان بزرگ‌سال که به دنبال مهارت هستند. ثبت‌نام در پلتفرم‌های یادگیری آنلاین به‌طور مداوم در دهه گذشته هر سال افزایش یافته است و به دلیل همه‌گیری کرونا شاهد افزایش زیادی بوده است. ۷۰٪ از محصلان موافق هستند که کلاس‌های آنلاین بهتر از کلاس‌های سنتی هستند (پوهنتون پوتوماک، نوامبر ۲۰۲۲). یادگیری الکترونیکی می‌تواند به محصلان کمک کند از ۲۵٪ تا ۶۰٪ اطلاعات بیش‌تری را حفظ کنند (موسسه تحقیقاتی شیفت آمریکا، نوامبر

۲۰۲۲). آموزش از راه دور ۹۰٪ انرژی کم‌تر و ۸۵٪ انتشار گاز کربنیک کم‌تر به ازای هر محصل در مقایسه با آموزش مبتنی بر پوهنتون مصرف می‌کند (پوهنتون آزاد بریتانیا، نوامبر ۲۰۲۲).

نظریه‌های یادگیری در آموزش الکترونیکی

در ابتدا سیستم‌های یادگیری کامپیوتری، براساس رویکردهای نظریه رفتارگرایی طراحی می‌شد. در این مکتب یادگیری به‌عنوان تغییر در رفتار قابل‌مشاهده است که به سبب محرک خارجی در محیط، تلقی می‌شود. شناخت‌گرایان مدعی هستند که یادگیری با استفاده از حافظه انگیزشی و تفکر مربوط می‌شود و بازتاب یک بخش مهم از یادگیری است. از دید نظریه سازنده‌گرایان، یادگیرندگان اطلاعات و جهان پیرامون خود را مطابق واقعیت شخصی تفسیر می‌کنند و یادگیری با مشاهده، پردازش و تفسیر انجام می‌شود و سپس با دانش خود به اطلاعات جنبه شخصی می‌دهد. از نظر ارتباط‌گرایی، یادگیری عبارت از فرایند خلق ارتباطات جدید یا یادگیری عبارت از شکل‌دهی و شکل‌گیری شبکه‌هاست. ارتباط‌گرایی دیدگاهی است که دانش و شناخت را توزیع‌شده در سطح شبکه‌ای از افراد و فن‌آوری‌ها می‌بیند و یادگیری را فرایند ارتباط رشد و راه‌یابی آن شبکه‌ها می‌داند (زارعی، ۱۳۹۳، ص ۵).

الگوهای آموزش الکترونیکی

در عصر جدید آموزش الکترونیک به سمت تبدیل شدن به یک پارادایم آموزشی در حرکت است. در این زمینه الگوهای زیادی در سازمان‌های آموزشی طراحی و به بهره‌برداری سپرده شده است. برخی از آن‌ها به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱. الگوی عامل تأییدی (تقویتی): یادگیری الکترونیکی از دید طراح این الگو عوامل کلیدی موفقیت در یادگیری الکترونیکی عبارتند از: یاد دهنده، یادگیرنده، فن‌آوری اطلاعات و پشتیبانی پوهنتون در همه فعالیت‌های آموزشی.

۲. الگوی سه لایه پوهنتون مجازی: در این الگو هر لایه همبستگی خاصی با الگو و دیگر لایه‌ها دارد و هم‌چنین الگو دارای حوزه‌هایی است که در هر پوهنتون مجازی پیدا می‌شود، این لایه‌ها شامل سازمانی، زیربنایی و محتوا است (هارتویگ، ۲۰۱۷، ص ۱۳).

۳. الگوی نظام یادگیری الکترونیکی، هدف این مدل کمک به طراحان برنامه‌های یادگیری الکترونیکی برای برنامه‌ریزان و اجرای یک وضعیت مشخص یادگیری با تمرکز روی احتیاجات شخص و اجتماع است که از چندلایه عناصر تشکیل شده است.

۴. الگوی ارزیابی هوشمند در آموزش راه دور: این الگو جهت تقویه تأثیر عناصر آگاهی از طریق شبکه ارتباطی در آموزش مجازی با معیارهای مدیریت، حضور و معیار ارزیابی طرح شده است (چیا، ۲۰۰۲، صص ۷۱۵-۷۰۹).

۵. چارچوب عمومی یادگیری الکترونیکی (الگوی خان): این چارچوب به شرح زیر است: بعد سازمانی، مدیریت، فن آوری آموزشی، اخلاقی، طراحی واسطه کاربری، پشتیبانی منابع و ارزیابی. هر یک از موضوعات مطرح شده دارای ابعاد زیر است: آموزش گاهی، مدیریتی- فن آوری، روش تربیتی اخلاقی (خان، ۲۰۰۵ ترجمه قائی و عبدالحق، ۱۳۹۰، صص ۳۵، ۳۴).

۶. الگوی استمرار یادگیری الکترونیکی: این الگو براساس نظریه عدم تأیید انتظار شکل گرفته است. از نظر این الگو عوامل قابلیت استفاده، کیفیت و ارزش سه عنصر وابسته هستند (چیو و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۱۲).

۷. الگوی آموزش مجازی شامل: زیرساخت‌های تکنولوژی، ارتباطات، برنامه‌ریزی، فرهنگ، معیارها، مسایل مالی و انسانی.

۸. الگوی جدید ارزیابی پیشرفت یادگیری الکترونیکی: این الگو دارای سه سطح و هر سطح دارای عناصری هست. پیش‌پردازش، شباهت فیلتری، دارای عناصر و قوانین نسلی و دقت ارزیابی (چینگ، ۲۰۱۱، ص ۹).

۹. الگوی آمادگی تکنولوژیکی برای یادگیری الکترونیکی: این الگو با اتکا بر عوامل آتی است: نرم‌افزار، سخت‌افزار، ارتباط، امنیت، انعطاف‌پذیری سیستم، مهارت‌های فنی و پشتیبانی، رایانش ابری و مرکز داده (موسی العربی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۰).

۱۰. الگوی پذیرش تکنولوژی: این الگو بر سه متغیر خارجی (مفید و قابل استفاده بودن تکنولوژی، قابل‌دست‌رس بودن تکنولوژی و دارای اهداف معیاری بودن تکنولوژی) باعث درک مفیدیت و استفاده آسان از تکنولوژی می‌گردد (قسیم، ۲۰۲۰، ص ۱۳).

۱۱. الگوی یادگیری شیرل و شیفمن: شامل مراحل ارزیابی نیازها، تعیین اهداف کلی، تحلیل محتوا، تعیین اهداف رفتاری، تعیین ارزیابی‌ها، تعیین رسانه، آماده‌سازی مواد آموزشی، ارزش‌یابی تکوینی انجام اصلاحات موردنیاز، ارزیابی پایانی.

۱۲. الگوی کرک و گوستافسون: شامل سطح تعیین مسئله، سطح طراحی و سطح تکوین (آتشک، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

اهداف آموزش الکترونیکی

هدف از آموزش الکترونیکی ترکیب، تنوع و انسجام در محیط یادگیری پویایی است که از نظر فکری نیز چالش برانگیز هست. سطح تعامل فراتر از انتقال یک طرفه محتواست. هدف اصلی گسترش تفکر با توجه به ارتباطات میان افراد مشارکت کننده است. این رویکرد جدید آموزشی به انتقال دانش محدود نمی شود، بلکه مقصد آن تبدیل فراگیرندگان به آفرینش گران دانایی و آگاهی است. اهداف آموزش الکترونیکی به طور فشرده شامل:

۱. کاهش هزینه های آموزشی و آموزش از هر جا و در هر زمان؛
۲. تحت پوشش قرار دادن تعداد زیادی از داوطلبان و آموزش محصل محور؛
۳. پرورش مهارت های حل مسئله و پرورش قدرت تصمیم گیری؛
۴. پرورش خلاقیت و پرورش اراده و حس اعتماد به نفس و پرورش تفکر انتقادی.

مزیت های آموزش الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی توانسته است بر محدودیت های یادگیری سنتی از برخی جهات غلبه کند و موجب ارتقای تعامل و تضمین کیفیت در یادگیری شود برخی از مزیت های آموزش الکترونیکی قرار ذیل است:

۱. نیازی به صرف وقت و حضور در صنف ندارد و می توان بیش از یک درس و یا رشته را فراگرفت؛
۲. برخورداری از روش مطالعه انعطاف پذیر مطابق نیاز محصل با سرعت بالا؛
۳. مانند صنف های درسی برنامه آموزشی، راهنمایی درس، دروس مرجع و ... دارد؛
۴. کنجکاوی و ابتکار بیش تر و دسترسی به تکنولوژی های جدید؛ اطلاعات به روز و استفاده و ارزیابی به صورت آنلاین از آن؛

۵. آموزش الکترونیک را با استفاده از هر فراهم کننده خدمات اینترنتی می توان به کاربرد؛
۶. در هر زمان می توان دریافت کرد و در هر مکان یادگیری وجود دارد؛
۷. هزینه های یادگیری کاهش می یابد و دانش و اطلاعات را عموم مردم می توانند به دست آورند؛
۸. نتیجه آموزش و یادگیری سریع تر مشخص می شود و با استفاده از امکانات چندرسانه ای مطالب بیش تر در ذهن می ماند؛
۹. تبعیض و پارتی بازی کم تر اتفاق می افتد (کیا، ۱۳۹۸، ص ۳).

معایب آموزش الکترونیکی

نظام آموزش الکترونیکی برخی نارسایی های دارد:

۱. عدم تعامل مستقیم بین محصل و استاد و پایین بودن سرعت اینترنت و هزینه بالای آن؛

۲. عدم دسترسی همه محصلان به کامپیوتر به‌طور شخصی؛
۳. فراهم نبودن منابع انسانی متخصص به‌ویژه مدیران در کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات؛
۴. کم‌بود زیرساخت‌های فرهنگی لازم و محدودیت منابع مالی به‌ویژه در اطلاع‌رسانی؛
۵. کم‌تجربه‌گی اساتید در استفاده مؤثر از فن آوری‌های جدید و ابزارهای نوین اطلاعاتی؛
۶. کم بودن تعامل اجتماعی و وجود فاصله زمانی میان استاد و محصل؛
۷. بالا بودن هزینه‌های مقدماتی تهیه و تدارک مواد آموزشی و ضعف توسعه مهارت‌های گفتمان بین یادگیرندگان؛
۸. نیاز به داشتن انگیزه قوی و مهارت‌های مدیریت زمان و فقدان نشانه‌های کلامی و غیرکلامی؛
۹. امکان تقلب در آزمون و ارزیابی در محیط یادگیری الکترونیکی (احمدی و نخستین روحی، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

چالش‌های تحصیلات عالی در افغانستان

به هر پیمانه که سرعت تغییرات بیشتر و محتوای آن پیچیده‌تر باشد، امکان مدیریت آن برای استفاده بهتر کاهش می‌یابد و ضرورت تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت افزون‌تر می‌گردد، زیرا که هر چقدر سرعت بالاتر باشد، نیاز به نورا فکن‌های قوی‌تر بیش‌تر احساس می‌شود. در این راستا آموزش عالی به‌عنوان بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی که در رأس هرم آموزش قرار دارد و نقش آن در رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. بیش‌تر از چهار دهه است، آموزش عالی در افغانستان به‌جای تحول و پیشرفت از ابعاد مختلف صدمه‌دیده، هنوز هم چالش‌های زیر دامن‌گیر آن است:

ورود به جامعه اطلاعاتی در شرایط انقلاب دیجیتال، عصر پست‌مدرن و در طلیعه‌ی دنیای فرایپچده‌ی هزاره سوم تغییر ماهیت بازار اقتصاد، اشتغال و دانش، تنوع نیازهای آموزش، گسترش انفجارگونه عصر فن آوری و نیاز به بازآموزی و یادگیری مادام‌العمر به دلیل انفجار اطلاعات، محدودیت منابع در مقایسه با رشد روزافزون جمعیت و تقاضای فزاینده جهت برخورداری از فرصت آموزش انعطاف‌پذیرتر به علت عدم امکان حضور منظم و مداوم در کلاس‌های فیزیکی و سنتی، گسترش فرصت‌های آموزش را به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها و دولت‌ها تبدیل کرده است. آموزش عالی در افغانستان ناگزیر است با تغییرات و سرعت شتابان علم و فن آوری و پوهنتون روز، همراه و هم‌گام شود؛ ولی نیازمند امکانات، دولت قوی و خودکفا، منابع بشری آموزش‌دیده و آگاه با فن آوری جدید، زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

پیوند جامعه و پوهنتون

یکی از بزرگ‌ترین بحران‌ها در آموزش عالی افغانستان ضعف رابطه بین پوهنتون و جامعه می‌باشد. در چنین شرایطی هم پوهنتون و هم جامعه به یک تعامل ساختارمند و سازمان‌مند نمی‌رسند. جامعه هنوز نقش پوهنتون را به‌طور کامل نپذیرفته و پوهنتون هم نقش خود را برای جامعه به‌صورت روشن تعریف نکرده است. این ضعف ارتباط موجب شده که دانش بومی براساس خواسته‌های جامعه ارائه نشود، برای مثال، سالانه هزاران محصل از رشته‌های مختلف پوهنتون‌های افغانستان از مقطع لیسانس دانش آموخته می‌شوند، ولی به دلایل نارسایی در نصاب تحصیلی پوهنتون‌ها، ضعف در شیوه‌های تدریس، عدم استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی و نیز مشکل در ساختار آزمون استخدام کارمندان، محصلان استخدام نمی‌شوند.

ضعف کارایی زیرساخت‌های توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی

برای تحقق برنامه‌های توسعه ساختارهای سازمانی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. هرگاه این ساختارها، کارآمد و دارای توان لازم در اجرای هماهنگی برنامه‌های توسعه باشند، برنامه‌های مؤفق خواهند بود و در چنین وضعیتی از نیروها، منابع، سرمایه‌ها و زمان صرف شده نتیجه درخور حاصل می‌شود (طوطیا اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۲).

واقعیت آن است که بین نظام آموزشی و سایر بخش‌های افغانستان رابطه سازمان‌یافته وجود ندارد و نظام آموزش عالی در مسیر مستقل بدون در نظر داشت نیازهای عینی کشور در حرکت است و جزء تورم فارغان در مقطع لیسانس و برخی هم ماستری دیگر دست‌آورد قابل ملاحظه‌ای ندارد و هماهنگی بین آموزش عالی با سایر نهادهای دیگر در سطح کلان ساختاری صورت نگرفته است. به‌عنوان مثال در تمامی پوهنتون‌های خصوصی پوهنشی‌های حقوق و علوم سیاسی بلااستثناء در مقاطع لیسانس و قسملاً ماستری فعالیت دارند و سالانه محصلان زیادی دانش آموخته می‌شوند از طرفی در این پوهنتون‌های حتی یک پوهنشی زراعت جواز فعالیت ندارد.

جهانی‌شدن و تحولات آن در آموزش عالی

امروزه پوهنتون‌ها در محیط ویژه عمل می‌کنند که اصلی‌ترین ویژگی‌های آن عبارت است از: وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهانی، دموکراسی سیاسی، اقتصاد بازار آزاد، مصرف‌گرایی، روش‌های جدید مدیریتی، موضوعات محیط‌زیست، ارزش‌های چند فرهنگی و به‌هم پیوستگی‌های بین‌المللی از طریق فن‌آوری‌های اطلاعاتی به‌ویژه از طریق اینترنت فراهم آمده است. پوهنتون‌های که اصولاً ارائه‌کننده دانش هستند، در چنین محیط پیچیده‌ای دیگر نمی‌توانند منفعلانه فعالیت کنند، آن‌ها تأثیرگذاری‌ها و

تأثیرپذیری‌های متقابلی دارند که اصلی‌ترین ویژگی آن گسترش ارتباطات است (خداوردی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

آموزش کارآفرین در هزاره جدید

آموزش کارآفرینی یکی از ضروریات هزاره جدید است. عصری که در آن جامعه اطلاعاتی هنگام جهانی‌شدن است و پیامدهای هم‌چون فراگیری فن‌آوری‌های نوظهور، تغییر و تحولات شتاب‌ناک در عرصه مبادلات بشری و رقابت در عالم کسب‌وکار است. در چنین فضای کارآفرینی به‌مثابه عامل رشد و توسعه در رصد کردن چشم‌انداز مطلوب هر جامعه می‌باشد که این تأثیرات گسترده هر لحظه انسان‌های عصر پست‌مدرن را به چالش می‌کشد (طوطیا اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۴).

فرهنگ یادگیری الکترونیکی

نظریات مختلفی مسأله ارتباط فرهنگ و یادگیری را مورد توجه قرار داده. توجه به فرایند یاددهی-یادگیری از منظر فرهنگ بحثی است که برونر مطرح کرد. فرهنگ، عنصر جدا ناشدنی طراحی آموزشی است. ضرورت است که در فراهم کردن آموزش پرورش، به تفاوت‌ها و تأثیرات اجتماعی-فرهنگی توجه شود. تحقیق‌های انجام‌شده اوزونر (۲۰۰۹)؛ تاپانس و همکاران، (۲۰۰۹)، سوی دونی و همکاران (۲۰۱۴)، نشان می‌دهد فرهنگ یادگیری الکترونیکی در جوامع غربی بر ویژگی‌های نظیر فردگرایی، توجه به نیاز و علاقه شخصی، خود راهبری، استقلال و خودارزیابی استوار است و در جوامع شرقی مبتنی بر جمع‌گرایی، استاد محوری، تمایل کم‌تر به اشتراک گذاشتن اطلاعات یادگیری مطابق معیارهای اخلاقی، امنیتی، ارتباطات نزدیک و صمیمی، متمایل به استفاده از موقعیت‌های ساختاربندی شده یادگیری، متن محوری و استفاده کم‌تر از ابزارهای به‌روز آموزشی است.

فرصت‌های تحصیلات عالی افغانستان

در کنار چالش‌های موجود فرا راه وزارت تحصیلات عالی افغانستان در قسمت راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی، برخی فرصت‌های نیز وجود دارد که بازنگری کلی می‌شود راهی به‌سوی توسعه، تعالی و پیشرفت گشود.

۱. تجدیدنظر و تغییر برخی از قوانین و لوایح وزارت تحصیلات عالی جهت اجازه فعالیت آموزش الکترونیکی برای پوهنتون‌های دولتی و خصوصی با داشتن ظرفیت‌های مقتضی، با توجه به گسترش این نوع رویکرد آموزشی در سطح جهان و ایجاد منابع علمی مانند کتابخانه‌های دیجیتال و امکان دسترسی به استادان و محصلان.

۲. استخدام و توظیف افراد نخبه برای نیازسنجی در سطح ریاست تقنین وزارت تحصیلات عالی، برای ایجاد رشته‌ها و گرایش‌های علمی و تربیت نیروی کار مطابق ظرفیت و نیازهای محیطی (راه‌اندازی رویکرد تعلیم و تربیت مبتنی بر محل)، چنان‌چه از پنج سال بدین سو برنامه تجدید نصاب تحصیلی رشته‌های مختلفی پوهنتونی به ابتکار معاونیت امور علمی آن وزارت آغاز به کار نموده است.
۳. بازنگری ساختارهای سازمانی موجود پوهنتونی و تمرکز بر ایجاد مراکز یادگیری الکترونیکی، هم‌چنان استفاده از ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و پرورش حضوری.
۴. تمدید، تجدید و تمرکز بر توأمیت‌های علمی بین پوهنتون‌های کشور با پوهنتون‌ها، مراکز تحقیقات و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات خارجی طبق کارهای انجام‌شده در اوایل ۱۳۹۰ خورشیدی.
۵. رفتن به سمت نهادهای سازای فرهنگ یادگیری الکترونیکی، این مأمول زمانی امکان‌پذیر می‌شود که هر پوهنتون توسط اعضای هیئت علمی دانش آموخته خارج از کشور، برخی از کلاس‌ها را به رویکرد آموزش تلفیقی برگزار کنند.

انواع پوهنتون‌های الکترونیکی

پوهنتون مجازی به عنوان عامل تحقق یادگیری الکترونیکی و رویکرد نو در ارائه محیط یادگیری خوش طرح، تعاملی و یادگیرنده محور برای هر کس، در هر مکان و زمان با به کارگیری منابع و امکانات فن‌آوری‌های گوناگون دیجیتالی در محیط آزاد، انعطاف‌پذیر و پخش‌شده تعریف می‌شود (فقیه، ۱۳۹۴، ص ۷۵). یادگیری الکترونیکی در قرن ۲۱ سطوح مختلف آموزشی را تسخیر کرده و در عرصه آموزش عالی موجب گسترش پوهنتون‌های مجازی شده است. انواع مختلفی از پوهنتون‌های مجازی قرار ذیل است:

۱. پوهنتون دوحالته یا ترکیبی؛
 ۲. مرکز آموزش مجازی در درون پوهنتون‌های معمولی؛
 ۳. پوهنتون باز و از راه دور و پوهنتون‌های کاملاً مجازی؛
 ۴. مدل کنسرسیوم صدور مدرک و مدلی کنسرسیوم ارائه خدمات آموزش مجازی؛
 ۵. الگوی آموزش مجازی انتفاعی و آموزش مجازی خاص شرکت‌ها.
- به‌طور کلی پوهنتون‌های الکترونیکی با استفاده از ابزارها و فن‌آوری‌های محیط اینترنت و با داشتن ویژگی‌های هم‌چون سازگاری با شرایط محصل، هم‌سوی با ساختار بازار کار، انعطاف‌پذیری سریع و تأکید بر یادگیری واقعی به‌طور مداوم درحال توسعه‌اند و شکل‌های جدیدی از آن در آینده نیز به وجود خواهد آمد (فقیه، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

مناقشه و نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط کشور و استناد به منابع مکتوب مرتبط به نظام آموزش عالی افغانستان چنین استنباط می‌شود که در چهل سال اخیر آموزش عالی از ابعاد مختلف صدمه دیده است. هرچند در دو دهه پسین شاهد رشد کمی بوده، ولی نتوانست بر چالش‌های موجود فائق آید و از نظر رشد کیفی با کشورهای درحال توسعه هم‌سطح گردد. با درنظرداشت نقش و تأثیرگذاری نظریه‌های یادگیری بر نتایج آموزش از حیث کاربرد ابزار و امکانات، برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی در افغانستان نسبت کم بود ابزار و وسایل تکنولوژی، بیش‌تر اتکا بر نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی و شناخت‌گرایی نموده‌اند که نتایج این‌گونه برنامه‌ریزی درسی نه تنها گره‌گشا مشکلات موجود نبوده، بلکه سبب عقب ماندن از قافله‌ی سریع‌السير آموزش در عصر انقلاب دیجیتال شده است.

درحالی‌که تأثیر تکنولوژی بر آموزش، توجه برنامه‌ریزان را به نظریه سازنده‌گرایی که یادگیری را از طریق مشاهده، پردازش و تفسیر اطلاعات و جهان پیرامون خود می‌داند و نیز نظریه ارتباط‌گرایی، که یادگیری را عبارت از فرایند خلق ارتباطات جدید می‌داند؛ از طریق شکل‌دهی و شکل‌گیری شبکه‌ها به‌دست می‌آید. هم‌چنان دانش و شناخت را «توزیع‌شده» و در سطح شبکه‌ای از افراد و فن‌آوری‌ها می‌بیند و یادگیری را فرایند ارتباط رشد و راهیابی آن شبکه‌ها می‌داند (زارعی، ۱۳۹۸، ص ۵) جلب نموده است. پوهنتون نهادی همواره رو به تحول و دگرگونی بوده است و هم‌سو با تحول در سایر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تحول‌یافته است. پویایی‌ها و تحولات روزافزون محیطی، ضرورت برنامه‌ریزی برای رویارویی با این تحولات را بیش از پیش برای نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهادهای آموزشی نمایان ساخته است. در این راستا آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و سازنده‌ترین نهاد اجتماعی که باید به اعتلای خلاقیت، توان‌مندی و توسعه همه‌جانبه اجتماعی بی‌اندیشد؛ در دهه‌های اخیر با تحولات بسیاری روبرو بوده است (منتظری و عباسپور دشتکی، ۱۴۰۱). استفاده از رویکرد جدید آموزش الکترونیکی یکی از راه‌های پویایی پوهنتون‌های افغانستان در قرن ۲۱ می‌باشد و هم‌چنین رمز ورود به جهانی شدن به‌شمار می‌رود. زیرا فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ویژگی جهانی دارد و مرزهای جغرافیایی، علمی و فرهنگی را درنوردیده است.

آموزش الکترونیک از جمله مفاهیم برآمده از کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش است که امروزه در سراسر دنیا به‌ویژه پس از همه‌گیری بیماری کرونا به‌شکل جدی مورد توجه مکاتب و پوهنتون‌ها قرار گرفته است (جلالیان، ۱۴۰۱). نظام آموزش عالی افغانستان به دلایل مختلف از جمله درگیر بودن کشور در جنگ‌های تحمیلی بیش از چهار دهه، کم‌بود زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی،

کم بود نیروی متخصص، نبود سیاست معقول، منطقی و مستقل (یعنی برنامه‌های راهبردی) بر خواسته از نیازهای محیطی، ضعف اقتصادی، قوانین محدوده‌کننده و ... نتوانسته در عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، از ابزارهای نوین تکنولوژی در توسعه و تکامل فرایند آموزش و یادگیری استفاده مطلوب نمایند.

پوهنتون افغانستان در حالی وارد دهه سوم قرن ۲۱ می‌شود که دست‌آورد و تجربه‌ی ملموس و مرتبط با آموزش الکترونیکی ندارد، به‌جز در دو سه ماه نخست همه‌گیری کرونا آن‌هم بصورت ناموفق آموزش الکترونیکی صورت گرفت، درحالی‌که که راه‌اندازی آموزش الکترونیکی و استفاده از ابزار تکنولوژی‌های نوین در عصر اطلاعات بخشی از اولویت‌های طراحان برنامه درسی اکثر کشورها، جهت تسهیل و کارایی آن به حساب می‌رود و نیز تحقیق‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌های درسی نظام‌های آموزش عالی کشورها از تطبیق، راه‌اندازی و بهره‌گیری نسل‌های متعدد آن به سطح فرهنگ یادگیری الکترونیکی ارتقاء نموده است.

از طرفی قرن ۲۱ را قرن تکنولوژی می‌نامند از این جهت که تکنولوژی بخش از زندگی ما شده است و در تمامی امور زندگی ما نفوذ کرده است که آموزش و یادگیری یکی از این بخش‌ها است و امروزه سهم مهمی از آموزش مکاتب و پوهنتون‌ها توسط این تکنولوژی انجام می‌شود که به آن آموزش الکترونیکی می‌گویند (بلوچ و همکاران، ۱۴۰۱). متأسفانه با مساعد شدن استقرار نسبی در دو دهه پسین، و فراهم بودن زمینه‌ها جهت تقویت و توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی نهادهای آموزشی به‌ویژه پوهنتون‌ها در افغانستان، توجه چندانی حتی در استانداردسازی آموزش سنتی صورت نگرفته‌اند.

یادگیری بهتر زمانی میسر می‌شود که در سطح رهبری نظام آموزش عالی افغانستان نسبت به یادگیری الکترونیکی یک ذهنیت مثبت به‌وجود آید و آموزش آنلاین را به‌عنوان یک حقیقت جهانی و وسیله رشد و توسعه بپذیرند و شیوه‌های مدیریتی را براساس آن تغییر دهند. نتایج تحقیقات علمی نشان داده که حواس مختلف در یادگیری نقش یک‌سانی ندارند. اما تکنولوژی آموزشی می‌تواند چند حس را باهم درگیر و تأثیرگذاری را بیش‌تر کند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که امروزه با پیشرفت علم و زیاد شدن مباحث یادگیری، دیگر شیوه‌های قدیمی و سنتی آموزش، جواب‌گوی جامعه ما نیست (خنیگر، ۱۳۹۸). یکی از موانعی که پوهنتون افغانستان را تا هنوز از کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (راه‌اندازی آموزش الکترونیکی) محروم ساخته، قوانین سخت‌گیرانه نظام آموزش عالی آن است. شاید این امر ناشی از ضعف آگاهی و نبود ذهنیت مثبت قانون‌گذاران در پیوند به آموزش الکترونیکی باشد. از طرفی در دست‌رس نبودن ابزار و وسایل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مزید بر علت به حساب می‌آید. تا زمانی‌که

قوانین آموزش عالی انعطاف‌پذیر ساخته نشوند، راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی هم‌چنان مشکل خواهد بود.

علت‌العلل عدم راه‌اندازی یادگیری الکترونیکی در نظام آموزش عالی افغانستان، ضعف اقتصادی است. در این مقطع از زمانی‌که پوهنتون‌های افغانستان به کم‌بود استاد مواجه است. فرستادن اعضای هیئت علمی به مقاطع ماستری و دکتورا خارج از کشور هم هزینه هنگفت می‌خواهد و هم مشکل کم‌بود استاد را دوچند می‌سازد. برای رهایی از این بن‌بست توأمیت علمی با پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقی کشورهای بیرونی، از طریق تجویز آموزش الکترونیک، به نتایج مثمری دست خواهد رسید. مثلاً، ارتقاء ظرفیت علمی استادان، کاهش هزینه‌های تحصیلی، رفع مشکل دوری از خانواده، رفع مشکل کم‌بود استاد، رفع مشکل کم‌بود بورسیه دولتی، زمینه‌آشنایی بیش‌تر با تجارب علمی و شناخت فرهنگ‌های دیگر و آموزش با معیارهای بین‌المللی.

فرجامین سخن این‌که آموزش عالی در افغانستان باید یادگیری الکترونیکی را در رأس برنامه راهبردی آن‌گونه‌که در اهداف کلان آموزشی خویش درج نموده توأم با تغییرات و سرعت شتابان علم و فن‌آوری و پوهنتون روز، همراه و هم‌گام سازد و از مزیت‌های این رویکرد آموزشی در گسترش دانش و پرورش نیروی خلاق و نوآور جهت شکوفایی و پیشرفت کشور استفاده اعظمی نماید.

منابع

- آتشک، محمد. (۱۳۹۵). مدل‌های طراحی آموزش مجازی. تهران: دومین کنفرانس شهر الکترونیکی.
- السون، میتو. ا.ج. هرگنهان، جیولیوچی رامیرز بی آر. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: علی اکبر سیف. ویرایش دهم. تهران: نشر دوران.
- ایسنا، سایت خبرگزاری. (۱۴۰۰). معرفی برترین سیستم‌های آموزش الکترونیکی آموزش عالی جهان در سال ۲۰۲۱. دسته‌بندی: خراسان رضوی. کد خبر: ۱۴۰۰۲۱۳۰۸۸۶۰، دوشنبه، ۱۳ اردیبهشت.
- بابائی، محمود. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر یادگیری الکترونیکی، تهران: چاپار، چاپ اول.
- بلوچ، سلیم. کردی تمندانی، سلیمه. جدیدی محمدآبادی، اکبر. (قرن بیست و یکم و تسلط تکنولوژی بر آموزش: یادگیری الکترونیکی و آنلاین. شانزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی. تیرماه ۱۴۰۱. بومی پور، سپیده؛ خطاط، محدثه. (۱۴۰۰). فرصت‌ها و چالش‌های تعاملات یادگیری در آموزش عالی. چهاردهمین کنفرانس ملی و هشتمین کنفرانس بین‌المللی یادگیری و یاددهی الکترونیکی، ناشر: انجمن یادگیری الکترونیکی ایران
- جلالیان، مرضیه. (۱۴۰۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت برنامه درسی آموزش الکترونیکی مبتنی بر نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت گرایی و سازنده گرایی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی.
- خان، بدر الحق. (۲۰۰۵). مدیریت یادگیری الکترونیکی، مترجم: عماد قاننی و بابک عبد الحق (۱۳۹۰)، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- خداوردی، حسن. (۱۳۹۷). جهانی‌شدن آموزش عالی در هزاره سوم: مؤلفه‌ها و ابعاد. فصل‌نامه تحقیق‌های روابط بین‌الملل، دور نخست، شماره پنجم.
- خیاگر، اعظم. (۱۳۹۸). تکنولوژی آموزشی و نقش آن در یادگیری. چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین تحقیقی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی، اصفهان.
- رسولی، آتوسا. (۱۳۹۴). طراحی الگوی مطلوب آموزش مجازی هنر در پوهنتون‌های ایران. رساله دکتورا. تهران: پوهنتون الزهراء.
- رضائیان، نیلوفر. (۱۴۰۱). ارائه مدلی در تعالی آموزش عالی با روش فراترکیب. ششمین کنفرانس بین‌المللی تحقیق‌های کاربردی در علوم و مهندسی.
- رمضان پور، انسیه. (۱۳۹۴). یادگیری الکترونیکی (الگوها)، تهران: دیبا-طنین، چاپ اول
- زارعی، عیسی. (۱۳۹۳). دانش و یادگیری: مبانی نظریه یادگیری. فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال اول شماره ۳ و ۴ پاییز و زمستان.
- طوطیا اصفهانی، صدیقه. (۱۳۹۵). شناسایی چالش‌های آموزش عالی در قرن ۲۱. کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی.
- فقیه، محمدباقر. (۱۳۹۴). طراحی و تبیین مدل پوهنتون الکترونیک (مجازی) از منظر عوامل و ارکان سازمانی. رساله دکتورا، پوهنتون پیام نور.

عبدی، حمید و همکاران. (۱۳۹۶). تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۸، شماره ۱۶، ۵۹-۸۸.

عمرانی ساروی، بهاره و همتی، ناصر. (۱۳۹۹). یادگیری ترکیبی، آموزش به کمک کامپیوتر. تهران: تحفه.

کریمی، احمد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیرگذاری فضای مجازی بر آموزش. فصلنامه فن آوری آموزش و یادگیری.

کریمی و همکاران. (۱۳۹۲). الزامات و چالش‌های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه یادگیری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۸، ۸۹-۱۲۶.

کیا، علی اصغر. (۱۳۹۸). نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیکی). فصلنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۴.

کیانی، مریم. محمد، عطاران؛ و فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). واکاوی فرهنگ یادگیری الکترونیکی در پوهنتون‌های ایران (یک تحقیق نظریه‌مبنای) سایت اینترنتی، نسخه پی‌دی‌اف: www.SID.ir

میرمحمدی، الهام. (۱۳۹۹). درصد دسترسی مردم جهان به اینترنت. تجارب نیوز. ۲۳ خرداد. کد مطلب: ۴۵۵۶۴۳.

نویخت، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی در پوهنتون ارومیه، سال تحصیلی ۸۹-۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پوهنتون ارومیه.

هاشمی، زینب و عباسی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). مقایسه‌ی میزان انطباق پوهنتون‌های آزاد اسلامی استان فارس با ویژگی‌های پوهنتون هزاره سوم از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران. فصلنامه علمی-تحقیقی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. سال هشتم، شماره ۴.

پوهنتون قرن ۲۱ و نگاهی به نظام آموزش مجازی افغانستان، اول حمل ۱۳۹۹، کد خبر ۳۷۰۱۵۱، شفقنا افغانستان، لینک

موضوع <https://af.shafaqna.com/FA/370151>

- Abuelsalam, M. Maatukl. Ebutisam K. Elberkawil. Shadi Aljamarneh. Hasan Rashaideh. Hadeel Alharbi. (2022). The COVID-19 pandemic and E-learning: challenges and opportunities from the perspective of students and instructors. Journal of Computing in Higher Education (2022) 34:21-38
- Brandusa, R. (2019). An E-learning Model In A Systems Theory Approach. The 15th International Scientific Conference E-learning and Software for Education, Bucharest, April 11-12, 2019
- Ching, HSUE Ching. (2011). A New E-learning Achievement Evaluation Model Based Or Rough Set and Similarity Filter. Journal computational Intelligence, volume 27, number 2
- Geogieva, G. Todorov, G. & Smrikarov, A. (2003). A Model of Virtual University-Some problems During its Development. Proceeding of the path. International Conference on Computer Systems and Technologies: E- learning. PP 709-715
- Mashburn, A.J. Justice, L. M. Downer, J.T. & Pianta, R.C. (2009). Peer Effects On Children's Language Achievement During Prekindergarten. Child Development, 80, 686-702.
- Mosa Al-araibi, A.A. & others. (2019). Model for Technological Aspect Of E-learning Readness In Higher Education. Educational and Information Technologies, Journal. 34
- Prince KJ, Van Mameren. Others. (2017). Does Problembased Learning Lead To Dificiencies In Basic Science Knowledge? An empirical case on Anatomy". Med Educ. 37(1), 15-21.
- Qasim, A, M, A. (2020). Acceptance Of E-learning Among University In UAE: A Practical syudy. International Journal of Electrical & Computer Engineering (IJECE). Vol:10.No:4